

لیلا عدل پرور

(عضو میات علمی-واحد خوی)

نوای همدلی در « کلیده و دمنه » و « مرزبان نامه »

چکیده

یکی از ویژگیهای طبیعت انسان اجتماعی بودن وی می باشد از این رو معاشرت و همنشینی افراد با هم امری طبیعی و ضروری است و هر چه افراد همدلی و دوستی نیکوتری داشته باشند آثار مطلوب بیشتری در افراد و اجتماع نمایان خواهد شد .

هر چند که اقسام رفاقت و دوستی متنوع می باشد ولی اگر با نور عقل و معرفت در داستانهای کلیده و دمنه و مرزبان نامه تفکر و تأمل شود می توان نوای همدلی یاران مخلص و یکدل را از میان دوستیهای مغرضانه شنیده و به ندای یاران همدل و یکرنگ پاسخ مثبت داد و اساس همدلی و رفاقت را بر پایه دوستیهای بی غرض و صادقانه پایه ریزی کرد .

واژه های کلیدی

دوستی ، نوع دوستی ، اعتدال ، گزینش ، صفات یاران شایسته .

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ أَلْتَوَدُّ إِلَى الْإِنْسَانِ»

«بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است.»

(نهج الفصاحه ص ۲۶۱)

مقدمه :

انسان موجودی اجتماعی است و یکی از فرآیندهای مهم در زندگی او، چگونگی ارتباط او با دیگران است. این ارتباط اساسی ترین نقش را در تحول شخصیت فرد ایفا می کند و رشد شخصیت مطلوب آدمی بدون ارتباطات اجتماعی نمی تواند معنا و مفهومی داشته باشد. (پیوندهای دوستی در کودکی و نوجوانی ص ۱۳ و ۱۱)

روابط اجتماعی، در روحيات و اخلاق افراد، اثر می گذارد. بنابراین، آنان که به تعالی فکر و سلامت اخلاق و تهذيب نفس و تکامل شخصیت خویش علاقه مندند ناگزیر باید در همنشینی و انتخاب دوست «معیارهای مکتبی» را لحاظ کنند. (اخلاق معاشرت ص ۲۳۱)

دوست و رفیق در انسان تأثیر زیادی دارد و حدیث معروف «المجالسة مؤثرة» - در افراد همنشین تأثیر دارد «یک واقعیت است. همچنین حضرت علی می فرماید: «المرء یوزنُ بخلیله» مرد با دوستش سنجیده می شود». (راه و رسم دوستی و معاشرت ص ۲۰)

انسانهای عاقل با استفاده از خرد و تجربه همواره در میان مردم زندگی نموده و با مردم مأنوس می گردند. این گونه افراد نه تنها از فساد اجتماعی تأثیری نمی پذیرند بلکه دیگر مردمان را به راه حقیقت رهنمون می شوند. (آیین دوستی در اسلام ص ۵۱)

در قدیم الایام چنین رسم بود که پندگویان و ناصحان هیچ گاه سخنی را به صراحت در موعظت نمی گفتند و صراحت در پند را بی اثر می پنداشتند بنابراین هرپند و نصیحتی را در لباس کنایات و استعارات و تمثیل ها از زبان دیگران بویژه جانوران بیان می کردند. (سبک شناسی بهار جلد ۳ ص ۵)

تمثیل روایتی است که در آن عناصر؛ عوامل؛ اعمال، لغات و گاهی زمینه اثر نه تنها به خاطر خود و در معنی خود بلکه برای اهداف و معانی ثانوی به کار می روند. (انواع ادبی ص ۲۷۱)

بحث و بررسی

از جمله کتب تمثیلی که نکات ضروری زندگی و مسائل فکری و اجتماعی به ویژه مسائل مربوط به دوستی در آنها مطرح شده است «کلیله و دمنه» و «مرزبان نامه» را می توان نام برد. این دو اثر از لحاظ ادبی، جزء قابل حیوانات محسوب می شود. قابل نوعی تمثیل داستانی است؛ روایتی تخیلی از رویدادهای فوق طبیعی به نظم یا نثر که شخصیت های آن حیواناتی با سرشت و رفتار انسانی اند و مثل انسانها سخن می گویند. در تألیف قابل ها همواره طرح اصول اخلاقی مورد نظر بوده است. (واژگان توصیفی ادبیات ص ۱۱۳)

در این مقاله سعی شده است با استخراج نکات مربوط به دوستی مضامین اخلاقی، اجتماعی و تعلیمی کتابهای کلیله و دمنه و مرزبان نامه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

لازم به ذکر است که در منابع دینی و اشعار شاعران در مورد آداب معاشرت و دوستی احادیث و شواهد بسیاری هست در این مقاله به خاطر جلوگیری از اطاله کلام به ذکر یکی دو مورد به عنوان شاهد اکتفا کرده ایم.

مهمترین موارد استخراج شده در مورد دوستی در کلیله و دمنه و مرزبان نامه را می توان به ترتیب زیر تقسیم بندی نمود:

آزمودن دوست:

تا دوستی را نیازموده ایم نباید کاملاً به او اعتماد کنیم دیدن روی خوش از یک نفر کافی نیست که او را به دوستی برگزینیم و به مجرد برخورد گذرا نمی توان هویت و شخصیت درونی او را کشف کرد. امام علی (ع) می فرماید: «پیش از آزمودن دوست به او اعتماد مکن» (آیین مهرورزی ص ۱۳۶).

تا شناسی مهر یار خویش

طرح مکن گوهر اسرار خویش

(مخزن الاسرار ص ۴۱۷)

تا هنگامی که اوصاف دوست با صافی تجربه پاک و صاف نشده و تا زمانیکه پاک و صفای او را از ناپاکی نشناخته ایم نباید او را خالص بدانیم .

« هیچ دوست تا اوصاف او را براووق نپالائی ، صافی مدان و تا مباحضت او را از ماذقت بازنشناسی ، دوست مخوان » (مرزبان نامه ص ۱۶۳)

یکی از راههای تشخیص دوست شایسته و خالص ، آزمودن و امتحان کردن اوست زیرا گفته اند : « دیو آزموده به از مردم ناآزموده » .

برای آزمودن افراد راههای مختلفی است که در کلیله و دمنه و مرزبان نامه روشهای زیر برای آزمودن دوستان مطرح گردیده است :

یکی آزمودن دوست بهنگام گرفتاری و بلا است که بدین وسیله می توان خلوص نیت و سیم و زر دوستی ایشان را به محک گرفتاری آزمایش نمود . مثل داستان بازرگانی که برای آزمایش دوست خود گوسفندی را سر بریده و در پارچه ای پیچید و به دوستش گفت : این جسد مرد مشهوری است امشب در حالیکه مست بود به من حمله کرد و من با کارد او را زدم و کشتم و از تو انتظار دارم همچنانکه اسرار مهم را نزد دوستان می سپارند این جسد را در زیر خاک پنهان نمائی و دامن آلوده مرا از خون او پاک گردانی ... دوست کامل وقتی این سخنان را شنید ، دست پذیرش بر چشم نهاد و گفت : تا زمانیکه زنده ام این کشته را مثل راز معشوق از رقیب ، پنهان می دارم . (مرزبان نامه ص ۱۷۲-۱۷۰)

« گفت : ده تن را شاید آزمود : یکی شجاع را در جنگ ، ... دوست را وقت حاجت ، اهل را در ایام نکبت » (کلیله ص ۳۸۹)

دشمن از دوست وقت آرز و نیاز	جز بسود و زیان ندانی باز
دوستان را بگاه سود و زیان	بتوان دید و آزمود توان

(حدیقه ص ۴۴۵)

و دیگری آزمودن صداقت و راستگویی دوست به هنگام نیازمندی و ثروت است .

یکی از ویژگیهای دوست شایسته ؛ آینه دوست بودن است . دوستی باید بر مبنای صداقت

و به دور از تعارف و تملق و ظاهر سازی صورت بگیرد و دوست باید مثل آئینه زشتیها و عیبهای رفیق خود را منعکس کند .

چون که مؤمن آئینه مؤمن بود
 روی او ز آلودگی ایمن بود
 باز آئینه ست جان را در حزن
 در رخ آئینه ای جان! دم مزن

(مثنوی دفتر ۲ ص ۱۰)

مثل داستان دهقان زاده ای که به هنگام ثروتمندی برای آزمایش دوستانش دروغی بزرگ گفت و دوستش حرفهای او را تصدیق کرد اما به هنگام نیازمندی همان دوست حرفهای راست او را دروغی غیر ممکن دانست . که در معرفی دوستان جامه و نان در همین مقاله این داستان نقل شده است :

«دوستان را آزمودم بدین بزرگ خطائی بگفتم و ایشان به خرده گیری مشغول نشدند و از غایت شرم و آزرم دروغ مرا برآست گرفتند ... آن چشم بصیرت ننداری که روی دوستی و دشمنی از آئینه خرد بینی ، دوست آنست که با تو راست گوید ، نه آنکه دروغ ترا راست انگارد .» (مرزبان نامه ص ۱۶۴) .

ارزش دوستی :

آیین مقدس اسلام ضمن ترغیب مومنین به دوستی ، این عمل را یکی از نعمت های بزرگ الهی معرفی می کند و بدین وسیله ضرورت دوستی را برای پیروان خویش روشن می سازد : « مِنْ النَّعْمِ الصِّدِّيقُ الصَّدُوقُ » - از جمله نعمت ها داشتن دوست راستگوست .
 (آیین دوستی در اسلام ص ۴۵) .

« التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ » - جلب دوستی نیمی از خرد است . « نهج البلاغه ص ۱۱۵۳)
 دوست ، همدم تنهاییهای انسان ، شریک غمها و شادیهها ، بازوی یاری رسان در نیازمندیها ، تکیه گاه انسان در مشکلات و گرفتاریها و مشاور خیر خواه در لحظات تردید و ابهام است . بعضی از مردم ، به خاطر خصلت های خودخواهانه یا توقعات بالا یا تنگ نظری و سختگیری نمی توانند برای خود دوستی برگزینند و از تنهایی در آیند . این به تعبیر حضرت علی (ع) نوعی ناتوانی و بی دست و پایی است : (اخلاق معاشرت ص ۲۳۹)

«أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ وَ اَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ»
(نا توانترین مردم کسی است که توانایی به دست آوردن دوست ندارد و ناتوانتر از او

کسی بود که دوستی به دست آورد و او را ضایع گذارد.) (نهج البلاغه ص ۱۰۹۳)

بد کسی دان که دوست کم دارد

دوست گر چه دو صد دو یار بود

دشمن از چه یکی هزار بود

(حدیقه ص ۴۴۸)

به دست آوردن دوستان پسندیده و یاران شایسته ، سودمندترین اندوخته و بهترین

تجارت است .

«ای فرزند از هر چه مردم دنیا بدان نیاز دارند و هنگام آنک روزگار حاجتی بکار آید

دوست اولیتر» (مرزبان نامه ص ۱۵۹)

«دوستان گزیده و معینان شایسته را بدست آوردن نافع تر ذخیرتی و مریح تر تجارتی باید

پنداشت»

سقراط می گوید : «مردم هر کدام آرزویی دارند ، یکی مال می خواهد و دیگری

افتخار ولی به عقیده من یک دوست خوب از تمام اینها بهتر است.» (اخلاق معاشرت

ص ۱۲۹)

در نزد دانایان هیچ چیزی بهتر از دوستی نیست و بدست آوردن دوست از کارهای

مهم است : «هیچ چیز بنزدیک اهل خرد در منزلت دوستی نتواند بود.» (کلیده ص ۳۳)

«بازرگان گفت شنیدم که دهقانی بود ... دوست اندوزی در وصایای او سر دفتر کلمات

بودی و او از اهم مهمات دانستی.» (مرزبان نامه ص ۱۶۱)

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند : «دوست بسیار گیرید زیرا خدای شما با حیا و

بخشنده است و شرم دارد که روز رستاخیز بنده خود را در میان برادرانش عذاب کند»

(نهج النصاحه ص ۲۶۱)

ارزش یک دوستی خوب ، دوستی با یاران و اصحاب خوب است کسی که دوست

ندارد آسودگی و فراغت ندارد . اگر به یمن دوستی عقیده ها به هم نزدیک شوند و در راه

دوستی هر سختی را تحمل کنند و با جان و مال همدیگر را یاری کنند باز هم کم است .
 هر کسی که در دوستی ، جان فدا کند درجه وی عالیتر از کسی است که مال فدا کند .
 مال و جان دوست را فدای کردند
 راحت دوستان غدی کردند

(حدیقه ص ۴۴۶)

« هر کجا عقیدت ها بمودت آراسته گشت اگر در جان و مال با یکدیگر مواسا رود و در آن انواع تکلف و تنوق تقدیم افتد هنوز از وجوب قاصر باشد . » (کلیله ص ۳۳)
 « هر که در دوستی کسی نفس بذل کند درجه او عالی تر از آن باشد که مال فدا دارد .
 وَالْجُودُ بِالنَّفْسِ اقْصَى غَايَةِ الْجُودِ » (کلیله ص ۱۶۷)

در دنیا هیچ شادی بهتر و شادی آور تر از دوستی و همنشینی با دوستان خوب نیست
 و رنج جدایی و دوری ، بسیار سنگین و دشوار است .
 « در دنیا هیچ شادی چون صحبت و مجالست دوستان نتواند بود و رنج مفارقت یار گران
 است . » (کلیله ص ۱۷۹)

بهترین دوستان ، دوستان قدیمی هستند چرا که شخص آنها را آزموده و از ویژگیهای خوب آنها با خبر است .
 « بر دوستان قدیم که در نیک و بد احوال تجربت خصال ایشان رفته باشد بیگانگان را
 مگزین » (مرزبان نامه ص ۱۰۴)

خداوند هم تداوم و استمرار دوستی را دوست دارد و پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

« إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُدَاوِمَةَ عَلَى الْإِخَاءِ الْقَدِيمِ فِدَاؤِمُوا :

خداوند ادامه دوستی دیرینه را دوست دارد بنابراین دوستی دیرینه را ادامه دهید . » (الحدیث
 جلد دوم ص ۲۶۰)

اعتدال در دوستی :

انسان باید در دوستی خود معتدل و میانه رو باشد . افراط و تفریط در دوستی حتی
 با افراد خوب نیز سزاوار نیست . مردم از عوامل اجتماعی تأثیر می پذیرند و کسی که امروز

خوب است بدان معنی نیست که برای همیشه خوب خواهد ماند بنابراین باید حد و مرز دوستی را با معیاری معقول و محدود مشخص نمود. (آیین مهرورزی ص ۱۳۶)

حضرت علی (ع) می فرماید: «با دوست خود در دوستی از اندازه تجاوز مکن؛ مبدا که روزی دشمنت شود و با دشمنت در دشمنی اندازه نگه دار، شاید روزی دوست تو گردد.» (نهج البلاغه ص ۱۲۱۶)

بیشتر دوستیها و دشمنیها ثابت و دایم نخواهد ماند چه بسا دوستی و رفاقت که به نهایت کمال و مهربانی و همدلی رسیده است ولی ناگاه به خاطر زیاده خواهی و آزمندی به دشمنی می انجامد و گاهی دشمنیهای کهنه از میان می رود و دوباره پایه و اساس دوستی ریخته می شود.

بنابراین انسان عاقل همواره میانه روی را پیشه خود می کند چنین شخصی نه انس و همنشینی با دشمن را رها می سازد و نه بر هر دوستی به طور کامل و مطلق اعتماد و اطمینان می کند و هیچ گاه از حيله و گردش روزگار آسوده خاطر نمی شود. بویژه دوستی های بی پایه و اساس که بنای آن بر انگیزه های مادی استوار شده زیاد قابل اعتماد نیست؛ زیرا وقتی عامل دوستی از میان رفت مثل این است که اصلاً دوستی وجود نداشته است درست مانند آب تا وقتی که آتشی در زیر آن شعله ور نگه داری دارای حرارت و گرمی است و وقتی عامل ایجاد گرما که همان آتش است از میان رفت، آرام آرام به سردی می گراید. (شرح کلیله ص ۷۰۵)

جایی که در دوستی شك و شبهه ای ایجاد شود و یا جایی که احتمال دشمنی می رود اگر گمان دوستی خالص را بکنیم کار معیوب و ناپسندیده ای است زیرا هرگز نمی توان از تمایل قلبی و عقیده واقعی افراد با خبر شد.

در کلیله و دمنه در وجه تسمیه قلب آمده است: نام دل را به خاطر این تغییر حالات «قلب» گذاشتند؛ چرا که ممکن است تغییرات عظیمی در آن باعث جابجایی عقیده شود و هرگز نمی توان از تمایل قلب به آنچه خوب یا بد است باخبر شد چون هر ساعت در حال تغییر است. (شرح کلیله ص ۶۶۷)

اقسام دوستی :

در کلیله و دمنه انواع دوستی بر دو قسم تقسیم بندی شده است :

نوع اول- دوستانی هستند که با میل و رغبت و راستی ، پیمان دوستی می بندند بدون ترس از انگیزه های ضرر و زیان از روی صفای عقیده و تنها به خاطر دوستی ، دوست می شوند . بنای این دوستی بر انگیزه های مهربانی و وفاداری استوار شده ، نه برای کسب منفعت بطوری که هیچ حادثه ای نمی تواند ، در این دوستی خلل ایجاد کند .

این نوع دوستان ، دوستان کامل و یکدل و یاران خالص هستند و دوستانی که روزگار راحتی و رفاه همشین نیک بکد بگردند و در روز مبادا کمک و پشتیبان هم هستند . مثل یک جان باشند در دو تن یا یک دل در دو سینه .

پیش از این دوستان چنین بودند
 کز هم یکدگر نیاسودند
 جان یکی بودی از بدی تن دو
 حال بود یکی و مسکن دو

(حدیقه ص ۴۴۸)

در قبول دوستی اگر خطر جانی هم باشد با جان و دل می پذیرند . با دوستان دوست ، دوست و با دشمنان دوست ، دشمن هستند .

بشوی ، ای خر دمنده ، از آن دوست دست
 که با دشمنان بود هم نشست

(گلستان ۱۷۲)

از صفات و ویژگیهایی که برای این نوع دوستان در کلیله و دمنه و مرزبان نامه ذکر شده می توان به موارد زیر اشاره کرد:

دوستی جهاندارانه ، جهانیان را آزموده ، نیکو اخلاق ، دارای صفات پسندیده ، وفادار به عهد ، مهربان ، موصوف به دانشهای مختلف ، هنرمند ، پاکیزه نهاد ، نکته سنج ، فزونی دانش ، پختگی و فضایل آزموده ، وفاداری ، ممدلی و همزنگی .

« روزی شخصی خوش محضر پاکیزه منظر ، نکته پرداز ، بذله پرداز ، شیرین لهجه ، چرب زبان ، لطیفه گوی ، به نشین که همشینی ملوک را شایستی برغبتی صادق و شوقی غالب از کشوری دوردست به خدمت او شتافت » (مرزبان نامه ص ۱۳۱)

«اکنون بازگویی داستان دوستان یک دل و کیفیت موالات و افتتاح مؤاخات ایشان و استمتاع از ثمرات مخالفت و برخورداری از نتایج مصادقت. برهمین گفت: هیچ چیز نزدیک عقلا در موازنه دوستان مخلص نیاید و در مقابله یاران یک دل ننشیند، که در ایام راحت معاشرت خوب از ایشان متوقع باشد و در فترات نکبت مظاهرت به صدق از جهت ایشان منتظر» (کلیله ص ۱۵۷)

نوع دوم- دوستانی که از روی اجبار همنشین و دوست انسان می شوند. گرایش مردم جهان به این دوستی به خاطر سود مادی است و نوع بهره برداری آنها به فراخور زمان و مکان می باشد بنابراین، این نوع دوستی اقسام گوناگونی دارد که می توان موارد زیر را ذکر کرد:

۱- بعضی افراد انتظار دارند که از طریق دوست به خواسته های خود برسند و چون به هدف نرسیدند دوستی از میان می رود و چه بسا ممکن است به دشمنی مبدل شود.

هر نفسی کان عرض آمیز شد دوستی دشمن انگیز شد

(مخزن الاسرار ص ۴۱۵)

مثل داستان دوستی مرد طعمکار با «نوخره»:

نوخره از ندیمان پادشاه بود و به لحاظ مقام از همه بالاتر بود مردی با میل و رغبت به خدمت او آمد و بنای دوستی گذاشت و گاه در ضمن سخنان خود می گفت: هدف من از این دوستی بهانه و وسیله ای است که از طریق تو به خدمت شهریار برسم و وقتی پس از گذشت مدتی به هدف خود رسید بنای دشمنی با نوخره را نهاد. (مرزبان نامه ص ۵۲)

۲- نوع دیگر دوستی میان خویشاوندان و قبیله هاست. چنانکه افراد به خویشاوندانی که به لحاظ مقام یا ثروت نسبت به بقیه برتری دارند تمایل بیشتری نشان دهند و تهدیدست بخواهد به ثروتمند برسد و ثروتمند بخواهد که به تهدیدستی تهدیدست بیفزاید تا اینکه هر دو به دشمنی یکدیگر برخیزند. مثل دشمنی شهریار بابل با شهریارزاده:

در سرزمین بابل پادشاهی فرزند کوچکی داشت هنگام مرگ برادرش را در اداره امور پادشاهی جانشین خود گردانید مشروط به اینکه وقتی فرزندش به بلوغ رسید حکومت را به

او واگذارد. وقتی شهریارزاده به بلوغ رسید علاقه به کشورداری باعث شد که عمو، برادرزاده اش را در شکار از اسب انداخت و هر دو چشمش را کور کرد و سرانجام شهریارزاده با کمک پریان از این مهلکه نجات پیدا کرد. (مرزبان نامه ص ۱۳۶)

۳- نوع سوم از دوستان، آنهایی هستند که چون بلا و حادثه ای پیش آید برای رهایی خود از گزند، دوست خود را در بلا می اندازند. مثل کاری که مرد آهنگر با مسافر کرد:

مرد مسافری در شهر «زامهران» با آهنگری دوست بود. به حکم اعتماد پیش او رفت در این شهر رسم بود که هر سال در روز معین شخص غریبه ای که به شهر می آمد او را قربانی می کردند و اگر غریبه ای وارد شهر نمی شد قرعه کشی می کردند و قرعه به نام هر کسی می افتاد او را قربانی می کردند. اتفاقاً همان روز قرعه به نام آهنگر افتاده بود وقتی آهنگر مهمان را دید آمدن مهمان غریبه را به شحنه شهر اطلاع داد و برای رهایی خود دوستش را در بلا انداخت. (مرزبان نامه ص ۱۴۳)

۴- نوع دیگر دوستی آن است که از خواهش طبع و امیال نفسانی پدید آید و این نوع از دوستی با کوچکترین عامل و سببی سستی می پذیرد و امکان دارد که به قطع رشته دوستی بیانجامد. مثل داستان بط با رویاه:

یک جفت مرغابی در کنار رودخانه ای زندگی می کردند و رویاهی در آن نزدیکی خانه داشت. رویاه دچار بیماری گر شده بود و به او گفته بودند جگر مرغابی برای درمان این مرض سودمند است رویاه برای اینکه با نیرنگ و افسون مرغابی را در دام بیندازد، از باب خیرخواهی به او

گفت: تو کدبانوی خانه دار شایسته ای هستی اما همسرت افراد را به خواستگاری زنی بزرگ زاده فرستاده و تو را به دوستی جوانی متهم می کند و بدین ترتیب با فتنه انگیزی مرغابی را به دشمنی با همسرش برانگیخت. (مرزبان نامه ص ۱۵۱)

۵- نوع دیگر دوستی، برقراری رابطه با دشمن است. وقتی که شخص گرفتار شود برای رهایی از آن حتی به همکاری و تلاش دشمن چشم دارد در موقع نیاز با ایجاد رابطه

دوستی و رفاقت از وجود دشمن استفاده می کند و اگر دوباره از دوستی با او دچار ضرر و زیان شود از او دوری می کند. مثل داستان دوستی موش و گربه:

موشی گربه ای را دید که در دام صیاد افتاده بود و در پشت سر خود راسویی را دید و بر روی درخت جغدی که در کمین او بود و بهترین راه رهایی خود را در کمک به گربه دید تا با رهایی او از دام، خود را از شربقیه دشمنان حفظ کند. (شرح کلیله ص ۷۲۷)

۶- نوع دیگر دوستان «جامه و نان» هستند ایشان تا زمانی ادعای

دوستی دارند که ثروت دوست را سرچشمه سود و زیان می بینند با چاپلوسی و تملق، تمامی سخنان غیر ممکن او را تصدیق می کنند اما زمانی که شخص توانایی مالی خود را از دست دهد سخنان درست او را دروغ می شمارند. مثل دهقان زاده ای که برای آزمودن دوستانش به آنها گفت:

موشی در خانه ما است که بسیار تبهکاری می کند در نیمه شب هاون ده منی را خورده دوستش در تصدیق سخنان او گفت: احتمال دارد هاون چرب بوده و چون موش به چربی علاقه دارد آن را خورده است. وقتی به تهیدستی رسید به همان دوست گفت: دیشب یک قرص نان در سفره داشتم موشی آمده و تمام آن را خورده است همان دوستی که دروغهای او را به زیور راست می آراست گفت: ای مردم این پدیده شگفت آور را بشنوید و این موضوع امکان ناپذیر را ببینید (مرزبان نامه ص ۱۶۶)

۷- نوع دیگر دوستی با دانشمندان و افرادی که از نظر علم و دانش بر دیگران برتری دارند. در آیین اسلام بر این نوع دوستی تاکید شده است: «جَالِسِ الْعُلَمَاءِ تَزَدَدْ عِلْمًا - با علما مجالست کن تا بر علمت بیافزایی» (راه و رسم دوستی و معاشرت ص ۱۰۳)

در کلیله درباره آشنایی برزویه با یکی از دانشمندان آمده است که: در هر لحظه به دنبال فرصتی می گشت و دوستان جدیدی پیدا می کرد بر حسب اتفاق با یکی از دانشمندان آشنا شد که در علم و دانش با بقیه آنها فرق می کرد. بنابراین از روی لطف و

نیکویی دوستی خود را با او محکمتر کرد تا از علم و دانش و اندیشه او در امور استفاده کند. (شرح کلیله ص ۱۱۳)

پرهیز از همنشین ناشایست :

همه مردم شایسته دوستی نیستند بلکه بر آدمی لازم است که دوستان خود را از میان مردم برگزیند ، همچون پرنده که دانه خوب را از بد جدا می کند . (آیین مهرورزی ص ۱۳۵)

در کلیله و دمنه و مرزبان نامه ، پرهیز از دوستی با دو دسته از افراد تاکید شده است: یکی دوستی با بدان و انسانهای منافق و دورو است . انسانها و فرزندان دنیا با لباس رنگین نفاق و دورویی در عیب و نادرستی تشبیه به مارماهی شده اند و چون سرشت و نهاد مارماهی بر یک صفت استوار است دوستی با مار به دوستی با این افراد ترجیح داده می شود .

«به هیچ تأویل با بدان آشنایی مکنید تا شما را همان نرسد که آن برزیگر را از مار رسید... مگر دانست که ابناء روزگار همه در لباس تلوین نفاق صفت دو رنگی دارند و در نا تمامی به مارماهی مانند ...» (مرزبان نامه ص ۱۰۱)

« اِيَّاكَ وَكَرِيْنَ السَّوْءِ فَانْكَبْ بِهٖ تَعْرِفُ - از یار بد پرهیز که تو را بدو شناسد ، (نهج الفصاحه ص ۲۵۹)

یار بد دشمنست رویا روی تو از این یار زود دست بشوی
(حدیقه ص ۴۴۶)

دسته دوم ظالمان و افراد گناهکار و اهل فسق و فجور هستند که باید از آنها دوری کرد هر چند که نسبت فامیلی داشته باشند زیرا دوستی با این افراد مثل تربیت مار است ، که هر قدر مارگیر در اهلی نمودن مار کوشش کند بالاخره به او آسیب و ضرر می رساند .
« از اهل فسق و فجور احتراز باید کرد اگر چه دوستی و قرابت دارند . که مثل مواصلت فاسق چون تربیت مار است ...» (کلیله ص ۱۲۱)

نتیجه معاشرت با این دسته افراد بدبختی و سخت دلی است. پیمان ایشان بسیار زود سست می گردد پیش ظالمان یک رنگی، نصیحت، حق شناسی و خدمتکاری هیچ ارزشی و مفهومی ندارد و به این دلیل به اطرافیان خود محبت می کنند که در آن منفعتی وجود داشته باشد.

«علمای گفته اند: چند چیز را ثبات نیست: سایه ابر و دوستی اشرار و عشق زنان و ستایش دروغ و مال بسیار» (کلیله ۱۸۱)

کدورت و جدایی میان دوستان:

میان دوستان و اهل علم و فضل، کینه و دشمنی به وجود می آید، جهانیان نیز قاصر هستند راه آزار را ببندند اما هر کسی که به نور عقل و دانش خود را زیور دهد در از بین بردن کینه و دشمنی تلاش می کند تا کدورت های کوچک منجر به جدایی و فراق میان دوستان نگردد.

«ملک گفت: میان دوستان و معارف، احقاد و ضغائن بسیار حادث گردد» (کلیله ص ۲۹۱)
فراق دوستان از مصیبت های روزگار است که سوز و گداز آتش فراق اگر در عمق دریا بیفتد آن را خشک می کند.

حضرت علی (ع) می فرمایند: «فَقَدْ الْأَحِبَّةَ غُرْبَةً» - از دست دادن دوستان غربت است (زیرا مانند دور ماندگی از وطن است). (نهج البلاغه ص ۱۱۱۵)
«از آن زندگانی که در فراق دوستان گذرد چه لذت توان یافت؟ و کدام خردمند آن را وزنی نهاده ست و از عمر شمرده؟» (کلیله ص ۱۸۵)

یکی از عواملی که باعث جدایی می گردد دخالت شخص نمام و سخن چین است که با تهمت، دوپهم زنی و دروغ میان دوستان تفرقه می اندازد.
«شفقت و بذاذری و لطف دوستی چندان باقی است که دو روی فتان و دو زبان نمام میان ایشان مداخلتی نیافتست.» (کلیله ص ۱۲۱)

دوستان حقیقی هر چند که کینه و کدورتی از همدیگر در دل داشته باشند، بد اندیشی و بد بینی را از خود دور کرده و از لغزشها و اشتباهات همدیگر چشم پوشی می کنند و عذر و پوزش دوستان را می پذیرند.

کسی که نتواند از خطای دوستان بگذرد در طول عمرش فرصت بازگشت و پیوستن به دوستان برایش فراهم نمی گردد و دوستان دیگر هم از او نا امید می شوند:

«چه خیر تواند بود در آن کس که از سهوهای دوستان اعراض نتواند نمود، و از سر حقد و آزار چنان بر نتواند خاست که در مدت عمر بدان مراجعت نپيوندد» (شرح کلیله ص ۷۵۴)

هرچند که دوستان از همدیگر لکه کدورتی داشته باشند هنگام فرا رسیدن سختی کدورت ها را با آب وفا می شویند و به یاری یکدیگر می شتابند.

افراد بخشنده و بزرگواری دوست خود را به غم جدایی نمی اندازند و آشنایی دیرینه را به خاطر یک حدس و گمان و سوءظن بی نتیجه نمی سازند حتی اگر در این کار خطر جانی وجود داشته باشد.

«کریم الیف را در سوز فراق نیفگند و به بد گمانی انقطاع دوستی و برادری رواندارد و معرفت قدیم و صحبت مستقیم را به ظن مجرد ضایع و بی ثمر نگرداند، اگر چه در آن خطر نفس و مخافت جان باشد.» (کلیله ص ۲۴۹)

گزینش دوست شایسته:

دوستان هر کس، مبنای قضاوت دیگران نسبت به اخلاق و شخصیت و افکار او است. به علاوه تأثیر پذیری انسان از دوستان در سنین مختلف بسیار است از این رو دقت در گزینش دوست موافق و شایسته به سلامت اخلاقی و رفتاری انسان کمک می کند. به فرموده حضرت علی (ع):

«الصَّاحِبُ كَالرَّقْعَةِ فَاتَّخِذْهُ مُشَاكِلًا» - دوست همچون وصله جامه است، پس آن را هم شکل و همسان با خودت برگزین. (اخلاق معاشرت ص ۲۳۰)

خو پذیر است نفس انسانی

با بدان کم نشین که بد مانی

بنابراین گزینش و انتخاب دوست باید بر اساس قاعده و با اجازه عقل صورت گیرد. ای پسر دوست به هنجار و اختیار عقل گزین تا دشمن روی عاقلان نشوی (مرزبان نامه ص ۱۶۲)

برای بدست آوردن دوست شایسته باید تلخی ها و شیرینی های احوال روزگار را تجربه کرد و مدت زمان زیادی را صرف این کار کرد.

« اکنون بگو دوست چون بدست آوردی . پسر گفت : پنجاه دوست که هر یک به صد هنر سر آمده جهانیت ، اندوخته ام ... ای فرزند هشتاد سال که مدت عمر منست ، به تجربت احوال جهان در کار دوستی و دشمنی خرج کرده ام تا دوستی و نیم دوستی بدست آورده ام که در اقطراف آن درد و صاف ایام خورده ام . تو بروزی چند پنجاه دوست چگونه گرفته ای ؟ » (مرزبان نامه ص ۱۶۶ و ۱۶۴)

از معیارهای ارزیابی دوستان شایسته و حقوقی که نسبت به همدیگر دارند موارد زیر را می توان بر شمرد :

- در تنگناها و نیازمندیها و کارهای خطرناک در بهبود بخشیدن به حال دوست کوتاهی روا ندارند و به هنگام فریاد رسی و درماندگی از کمک به او فروگذاری نکنند .

دوست آن دائم که گیرد دست دوست در پیریشان حالی و درماندگی (گلستان ص ۷۱)

« مال بروز سختی بکار آید و دوست بهنگام محنت » (مرزبان نامه ص ۲۹۹)

- راز داری و پنهان کردن راز که پایه و اساس دوستی را محکمتر می کند .
« عقل را بهشت خصلت بتوان شناخت : اول با رفق و حلم ... چهارم شناختن موضع راز و وقوف بر محریمیت دوستان و پنجم مبالغت در کتمان اسرار خویش و از آن دیگران » (کلیله ص ۳۲)

« قوی تر رکنی بنای مودت را کتمان اسرار است . » (کلیله ص ۳۴)

- حمایت و جانبداری از دوستان و بهبود بخشیدن به حال آنان بهتر از رفتن به دنبال آمال و آرزوهای این جهانی می باشد و در آیین جوانمردی واجب است .

« ترجیح جانب دوستان و ترفیح احوال ایشان بر هر چه مصالح و مناجح آمال و امانی این جهانیتست ، در مذهب فتوت و شریعت کلام واجبست . » (مرزبان نامه ص ۱۷۱)
 - نصیحت کردن دوست تا خوب و بد را از هم تشخیص دهد و اخلاق پسندیده و عادات ستوده را پیشه خود کند .

« پوشیده نماند که تو از موعظت من بی نیازی ... لکن خواستم تو را بر اخلاق پسندیده و عادات ستوده معونتی واجب دارم ، و حقوق دوستی و هجرت تو بدان بگذارم » (کلیله ص ۱۸۲)

- برخورداری از دانش و آگاهی تا در رویدادهای ناخوشایند بشوایند بتوان رای و اندیشه او را در انجام کارها راهنمای خود قرار داد .

دوستی بی خرد خود دشمنی است حق تعالی زین چنین خدمت مثنی است
 (مشوی دفتر ۲ ص ۸۱)

« من دوست دانا گزیدم و حساب دوستی از دانش برگرفتم ... من نیز ترا بدان دوست دانا رهنمونی کردم تا اگر روزی غریم حوادث دست در گریبان تو آویزند رای او در مداخلت کارها مقتدای خویش گردانی » (مرزبان نامه ص ۱۷۴-۱۷۳)

- وفاداری نسبت به عهد و پیمان دوستی و پرهیز از مکر و حيله و غدر و خیانت در حق دوست .

هر که با اهل خود وفا نکند نشود دوست روی و دولت مند
 (گلستان ص ۱۵۸)

« هیچ چیز ضایع تر از دوستی کسی نیست که در میدان کرم پیاده و در لافگه وفا سرافکننده باشند . » (کلیله ص ۱۲۳)

« سزاوار چیزی که خردمندان از آن تخرز نموده اند بی وفایی و غدر است خاصه در حق دوستان » (کلیله ص ۲۴۸)

در آیین اسلام و طریق مردانگی چهار خصلت بر دوستان واجب عینی است :

۱- وقتی بلا و گرفتاری برای دوست به وجود آید خود را در ناراحتی شریک او بدانند.

هر ترا آن رفیق و یار آید

کت بنیک و بید بکار آید

(حدیقه ص ۴۴۷)

۲- وقتی دوست به کار نادرستی روی آورد او را از انجام دادن آن کار بازدارد و نگذارد آن کار عملی شود .

۳- در امر خیر به یاری دوست خود بشتابد و زمینه های آن را فراهم آورد .

دوستان در ره صلاح و صواب

یکدیگر را مدد بوند چو آب

(حدیقه ص ۴۸۰)

۴- انجام کار دوستان را بر کار خود مقدم بدارد .

« چهار خصلت در شریعت بر دوستان عین فرض آمد : یکی آنکه چون بلائی به دوست رسد ، خود را در مقاسات آن با دوست شریک بدانند و دوم آنکه چون اندیشه کاری ناواجب کند ، عنان عزم او را از ارادت بازگرداند و ... » (مرزبان نامه ص ۳۰۰)

خصلت هایی که شخص باید سرمایه و توشه عمر خود قرار دهد تا دوستان از دوستی با او امتناع نکنند و دشمنان در مقابل او نتوانند بهانه بیاورند عبارتند از :

۱- از بد کردن در حق دیگران دوری کند ۲- از بدگمانی و انجام کارهای خطرناک بپرهیزد ۳- خوی های اخلاق را لازم بشمارد ۴- صورت و سیرت خود را با کم آزاری و کارهای نیکو آراسته دارد ۵- ادب و نزاکت را در همه احوال رعایت کند « (شرح کلیله و دمنه ص ۷۶۷)

نتیجه گیری :

از مجموع سخنان و مطالب یاد شده در این بحث روشن می گردد؛ در برخی از کتب تمثیلی ادب فارسی از جمله « کلیله و دمنه » و « مرزبان نامه » نکات تعلیمی فراوانی است که با تفکر و تأمل در این آثار می توان بسیاری از نکات ضروری زندگی را دریافته و در روابط اجتماعی خود به کار برد. در این مقاله یکی از نیازهای ضروری انسان که نیاز به همدم و دوست شایسته است مورد بحث و بررسی قرار گرفت با این امید که مورد توجه جوانان قرار گرفته، آنها را به عنوان تجربیات ارزشمند مورد استفاده قرار دهند و در انتخاب و گزینش دوست نهایت دقت را به عمل آورند تا هیچ گاه گرفتار تنگناها نشوند و فایده آن همه زندگیشان را تحت الشعاع قرار دهد.

ان شاء الله



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ :

- ۱- اروین ، فیل ، « پیوندهای دوستی در کودکی و نوجوانی » ، ترجمه و توضیح ؛ افروز ، غلامعلی و قربان خانی ، مریم ، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان ، ۱۳۸۱ ، چاپ اول
- ۲- استعلامی ، محمد ، « مثنوی » ، تهران ، انتشارات زوار ، ۱۳۷۵ ، چاپ پنجم
- ۳- بابازاده ، علی اکبر ، « آیین دوستی در اسلام » ، انتشارات بدر ، ۱۳۷۴ ، چاپ اول
- ۴- بهار ، محمد تقی ، « سبک شناسی » ، تهران ، انتشارات امیر کبیر ، جلد سوم ، ۱۳۷۵ ، چاپ هشتم
- ۵- پاینده ، ابوالقاسم ، « نهج الفصاحه » ، قم ، موسسه انتشاراتی پرهیزکار ، ۱۳۸۴ ، چاپ دوم
- ۶- خطیب رهبر ، خلیل ، « مرزبان نامه » ، انتشارات صفی عیاش ، ۱۳۷۳ ، چاپ پنجم
- ۷- رضایی ، عربعلی ، « واژگان توصیفی ادبیات » تهران ، انتشارات دانشگاه ، ۱۳۸۲ ، چاپ اول
- ۸- رضوی ، مدرس ، « تصحیح حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه » ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۴ ، چاپ چهارم
- ۹- زنجانی ، برات ، « شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی » ، تهران ، انتشارات تهران ، ۱۳۷۲ ، چاپ سوم
- ۱۰- سجادی ، حسین ، « مجموعه کامل مرزبان نامه به زبان فارسی امروز » ، انتشارات آرون ، ۱۳۷۹ ، چاپ اول
- ۱۱- شمیسا ، سیروس ، « انواع ادبی » تهران ، انتشارات فردوسی ، ۱۳۸۱ ، ویرایش سوم
- ۱۲- فرید ، مرتضی ، « الحدیث » ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، جلد دوم ، ۱۳۶۶ ، چاپ چهارم
- ۱۳- فیض الاسلام ، « نهج البلاغه » ، انتشارات فیض الاسلام ، ۱۳۷۲

۱۴- کاشفی، محمدرضا، «آیین مهرورزی»، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۸، چاپ

سوم

۱۵- محدثی، جواد، «اخلاق معاشرت»، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰

۱۶- موسی، فرج الله، «شرح کامل کلیده و دمنه»، تهران انتشارات موسویان، ۱۳۸۴،

چاپ اول

۱۷- مینوی طهرانی، مجتبی، «کلیده و دمنه»، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۰، چاپ

بیستم

۱۸- یوسفی، غلامحسین، «گلستان»، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۱، چاپ ششم

۱۹- گوهری، اسماعیل، «راه و رسم دوستی و معاشرت»، انتشارات احمدی، ۱۳۷۷،

چاپ اول



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی